



دو سال آخر

مجید مهران

جاناب ایران برای مستعمره‌ی خود یعنی هند خطری احساس می‌کردند، نمایندگان بلندپایه‌ی با بودجه‌ی زیاد به ایران اعزام می‌داشتند، و طبعاً هدایای گران‌بهای برای جلب توجه فتحعلی‌شاه و مسوولان امر کشور ایران تقدیم می‌کردند. لیکن بعداً که خطر رفع می‌شد، به بهانه‌های واهی روش بی‌اعتنایی پیش می‌گرفتند تا نمایندگی خود را در پایین‌ترین سطح و با کم‌ترین بودجه تنزل می‌دادند.

جان کمبل که بعدها لقب «سر» گرفت، در یکی از همین دوره‌های بی‌اعتنایی، انتخاب و به‌عنوان نماینده‌ی تام‌الاختیار انگلیس، به ایران اعزام می‌شود.

در بخش دوم ترجمه‌ی فارسی، یادداشت‌های روزانه‌ی جان کمبل، نقل گردیده است و در دو سال آخر سلطنت فتحعلی‌شاه (۱۲۴۹-۱۲۵۰ هجری قمری) برابر (۱۸۳۳-۱۸۳۴ میلادی) نگاشته شده است و ظاهراً خلاصه‌ی از یادداشت‌های تفصیلی او می‌باشد. از طرف دکتر تیموری گردآورنده‌ی این اسناد یادآور گردیده است که یادداشت‌های مورد بحث در مدت کمی بیش از هفده ماه تهیه شده و تعدادی به‌دست نیامده و احتمال می‌دهد که در بایگانی‌های لندن یا دهلی نو، بتوان به آن‌ها دسترسی پیدا کرد و به‌هر صورت متن انگلیسی آن‌ها در هیچ کجا به‌چاپ نرسیده است. ضمناً در دیباچه یادآوری کرده است، در این یادداشت‌ها، گذشته از مسائلی که به‌نظر کمبل مهم تلقی شده، گاهی به وضع مردم و مسائل مبتلی به آن‌ها از قبیل فقر، جهل، بیماری، گرانی، کمبود مواد غذایی، عدم امنیت و نگرانی از آینده، غرض‌ورزی‌ها، بی‌عدالتی‌ها و تبعیض و نبودن داوری و امور شبیه، آن اشاره شده است.

در بخش سوم که به تعلیقات و توضیحات اختصاص دارد، درباره‌ی مسائل و مواردی که کمبل در یادداشت‌های خود اشاره نموده است، توضیحات بیش‌تری آورده شده است و در حواشی یادداشت‌ها گاهی از طرف پژوهشگر توضیحی داده شده و با نقل گزارش‌های جداگانه‌ی کمبل، موضوع مورد اشاره او بیش‌تر روشن می‌گردد، و از خلال مطالب این تعلیقات تا حدی اوضاع و احوال سیاسی، نظامی و اجتماعی ایران، و وضع مردم آن را در یک دوره‌ی بحرانی از سلطنت فتحعلی‌شاه می‌توان ملاحظه کرد.

دکتر تیموری در دیباچه‌ی کتاب به نکته‌ی خیلی جالب اشاره می‌کند، این کتاب بیش‌تر براساس گزارش‌های مامورین انگلیسی که به ایران اعزام گردیده‌اند یا در رابطه با ایران مسوولیتی داشته‌اند، تهیه

□ در اواخر سال گذشته، کتابی تحت عنوان **دو سال آخر** مبتنی بر یادداشت‌های روزانه‌ی جان کمبل نماینده‌ی انگلیس در دربار ایران در دو سال آخر سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار (۱۸۳۳ تا ۱۸۳۴) میلادی به‌اهتمام دکتر ابراهیم تیموری از طرف انتشارات دانشگاه تهران در دو جلد مجموعاً ۹۲۰۰ صفحه به بهای ۹۰۰۰ تومان به بازار کتاب عرضه شد.

دکتر ابراهیم تیموری زحمت جمع‌آوری اسناد عمومی انگلیس PUBLIC RECORD OFFICE که امروز به آرشیو ملی تغییر نام داده و بررسی سند‌های دیوان هند در لندن و کتابخانه‌های موزه‌ی بریتانیا و دانشگاه‌های انگلیس را از سال ۱۳۴۵ که در سفارت ایران در لندن به ماموریت می‌رود، طی سالیان متمادی بر خود هموار کرده است، و با دقت تمام اسناد مورد نظر را جمع‌آوری نموده است و صدها مجلد فتوکپی مدارک مفید و قابل توجه را تهیه کرده و همان موقع به وزارت امور خارجه در تهران ارسال داشته است که قاعدتاً باید اکنون در بایگانی این وزارت‌خانه (مرکز اسناد سیاسی) موجود باشد و پژوهش‌گران می‌توانند از مفاد آن‌ها بهره‌مند شوند.

نویسنده‌ی این سطور با دکتر تیموری از سال ۱۳۶۸ که در دبیرستان ایرانشهر درس می‌خواندم، هم‌کلاس بودم و مدت سی‌سال نیز در وزارت امور خارجه هم‌کار بودیم. آن‌چه به یاد می‌آورم، از همان جوانی علاقه‌ی خاصی به تحقیق و تتبع درباره‌ی اسناد تاریخی دوران قاجار داشت، به‌طوری که رساله‌ی پایان تحصیلات خود را در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران درباره‌ی تحریم تنباکو نوشت و بعداً با حک و اصلاحاتی در سال ۱۳۲۸ آن‌را به‌چاپ رساند و پس از ورود به وزارت امور خارجه به اسناد معتبرتری دسترسی پیدا کرد و با تقارون با نهضت ملی کردن صنعت نفت در ایران در سال ۱۳۳۲ عصر بی‌خبری را منتشر کرد که در جو آن روز کشور، با استقبال فراوان روبرو گردید. این کتاب علاوه بر این که سیاست استعماری دول بزرگ آن زمان، یعنی روس و انگلیس را نشان می‌دهد، هنوز هم یکی از کتاب‌های مرجع محققین شناخته می‌شود، البته خود نویسنده معتقد است، حک و اصلاحاتی باید در آن به‌عمل آید.

کتاب **دو سال آخر** براساس یادداشت‌های روزانه‌ی جان کمبل، نماینده‌ی انگلیس در تهران مقارن سال‌های آخر سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار می‌باشد و به سه بخش تقسیم شده است.

در بخش اول به سابقه‌ی رابطه‌ی دیپلماتیک بین انگلیس و ایران و فراز و نشیب‌های آن اشاره شده است. و تا زمانی که انگلیس‌ها از

معمول دوره‌ی خود او سنجید و قضاوت نمود. بنابر این اگر بخواهیم درباره‌ی گذشتگان طبق اصول حقوق بشر و مقررات عرف قابل قبول امروز قضاوت کنیم، البته باید بر تمام کارهای آن‌ها خط بطلان کشید و همه‌ی آنان را ستمکار و ظالم و زورگو نامید.»

این تذکر به‌جاست و ما نباید به‌طور سطحی و با معیار و اندازه‌های امروز، غالب شخصیت‌هایی را که در دوران قاجار رییس‌الوزرا و یا وزیر و یا در مقام‌های مهم دیگر مشاغلی داشته‌اند، خائن بدانیم. خوشبختانه اگر بدنام‌ترین آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، و نیک و بدشان را در ترازوی عدالت قرار دهیم، شاید عده‌ی کمی به‌قول معروف دستشان چسبناک بوده است و به حس آز و طمع‌ورزی، رشوه‌خواری کرده‌اند، لیکن بدترین آن‌ها حتا یک وجب از خاک میهن خود را به خارجی نفروخته‌اند. بنابر این عدالت حکم می‌کند که محظورات سیاسی آن‌ها را در برابر نفوذ و رقابت شدید بین دو دولت بزرگ مثل روسیه‌ی تزاری و بریتانیای کبیر را ملحوظ داشت و وضع اقتصاد متزلزل و خزانه‌ی خالی آن روز ایران را در نظر گرفت و بدون مذاقه‌ی لازم حکم مجرمیت آن‌ها را غیباً صادر نکنیم.

پژوهشگر ما، یعنی ابراهیم تیموری یادآور می‌شود، هنوز آرشیو ملی دیرپایی در این کشور نداریم و رجال گذشته متأسفانه اکثراً عادت به تهیه‌ی یادداشت وقایع روزانه نداشتند، پس ناچار باید به بایگانی‌های معتبر کشورهای خارجی متوسل شد و اسناد لازم را به‌دست آورد.

به‌نظر بنده یادداشت‌های روزانه‌ی جان کمبل باید با دقت خوانده شود و پس از سبک و سنگین کردن مطالب آن، سره از ناسره را جدا نماییم و در خلال آن به حقایق دسترسی پیدا کنیم.

در هر حال کتابی‌ست خواندنی و مرجع و برای پژوهشگران تاریخ قاجاریه مفید خواهد بود. در پایان موفقیت بیش‌تر دوست قدیم خود، دکتر ابراهیم تیموری را در تحقیقات تاریخی، از خداوند بزرگ مسالت می‌دارم و از حوصله‌ی کافی که برای عرضه‌ی این یادداشت‌های تاریخی به خرج داده است، صمیمانه تبریک می‌گویم و آرزو دارم، با این روش محتاطانه‌ی که به‌کار برده است، توفیق‌های بیش‌تری در تتبعات تاریخی و علمی خود داشته باشد. ■

شده است. با آن‌که گزارش‌های مزبور را که به‌طور رسمی و برای مقامات دولت متبوع خود تهیه کرده‌اند و قاعدتاً باید خالی از شائبه و غرض پنداشت و به‌درستی و صحت آن‌ها اذعان داشت، مع‌هذا نمی‌توان گفت همه‌ی مامورین مزبور بدون حب و بغض، خالی از غرض و مرض بوده‌اند. چنان‌که در شرح حال جان کمبل دیده می‌شود، اولاً، در رابطه با مقامات ایران از گفتن دروغ و کارهای خلاف ابا و امتناع نداشت، به‌طوری‌که رفتار او موجب گردید تا مقامات ایران احضار او را از مقامات انگلیسی درخواست نمایند.

به استناد همین توضیح گردآورنده‌ی یادداشت‌ها، دو نکته‌ی مهم توجه بنده را جلب کرد: اول این‌که با توجه به خصوصیات اخلاقی سرجان کمبل که صریحاً نوشته‌اند از گفتن دروغ‌ها و کارهای خلاف ابایی نداشتند، چه‌گونه صحت یادداشت‌های مذکور را از چنین آدم مغرض و با سوء نیتی می‌توان تایید نمود و چه بسا مطالب مندرج در آن اسناد با حقیقت تطبیق نداشته است.

دوم این‌که بدبختانه ما ایرانی‌ها شاید به دلایل تجربه‌های تاریخی و یا خصوصیات اخلاقی عادت کرده‌ایم، چنان‌چه درباره‌ی یک واقعه‌ی سیاسی فرضاً دو سند در برابر ماست، یکی گزارشی را که یکی از مسوولان ایرانی تحریر کرده است و مدرک دیگر از جانب یک خارجی تهیه شده است که مطالب گزارش آن مامور ایرانی را نقض می‌نماید. آن‌چه به کرات دیده شده، گزارش آن بیگانه را معمولاً چشم‌بسته بیش‌تر با حقیقت نزدیک‌تر تصور می‌کنیم و به مطالب و

اشاره‌های آن ایرانی کم‌تر توجه داریم! در حالی‌که چه بسا آن مامور ایرانی دور از حب و بغض مطالبی نوشته باشد و آن خارجی در صدد این نبوده که با روی حقیقت نگذارد؟ خلاصه نباید در کار پژوهش مسائل تاریخی، بدون دلیل و به‌طور دربست به یادداشت‌های بیگانگان بیش‌تر بها بدهیم و کوشش باید کرد که صحیح و سقیم را منصفانه از یک‌دیگر جدا کنیم.

دکتر تیموری در دیباچه‌ی دو سال آخر به نکته‌ی مهم‌تری اشاره می‌کند که محققین بایستی به آن دقیقاً توجه داشته باشند و چنین می‌گوید: «اعمال و رفتار هر حاکمی را باید با توجه به مقتضیات وقت و معتقدات دینی، روحیات و عقاید اجتماعی مردم آن نگریست، و با معیارها و مقیاس‌های

